

سازماندهی کمونیستی و مورد فیض آباد سندج

۱۰ روز پیش ماموران جمهوری از تحقیر اوباش اسلامی شدند. اسلامی خانه های بخشی از مردم زحمتکش محله فیض آباد در مقابل مراکز مقامات دولتی سندج را تخریب و بیش از ۱۰۰ تجمع کرده خواستار رسیدگی به خانوار با جمعیتی حدود ۵۰۰ وضعیت خود شده و دست به نفر را بی خانمان کردند. ۵۰۰ اعتراض و مبارزه زده اند. پاسخ نفر زن و مرد و کودک بی سرپناه در سرمای زمستان سردانند مردم بوده است. قربانی این رفتار ددمنشانه و پر



azam_kamguyan@yahoo.com

اعظم کم گویان



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۱۶ دی ۱۳۸۴ ۶ ژانویه ۲۰۰۵

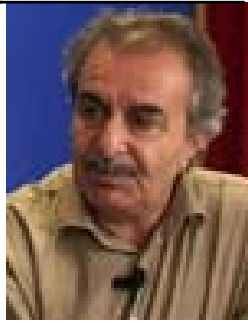
www.hekmatist.com

صفحه ۲

عراق:

بلبشوی سیاسی در بالا گسترش اعتراضات در پائین

تظاهرات اول ژانویه مردم کرکوک نبود. اعتراض روز بعد بیکران در ناصریه و زخمی شدن ۱۱ نفر از سوخت، درگیریشان با نیروهای آمریکایی، کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن و دستگیری دهها نفر، یک حادثه تنهای محلی اما نشریه اکونومیست لندن صفحه ۳



fatah_sh@yahoo.com

فاتح شیخ



mkazvini@hotmail.com

محمود قزوینی

همه چیز به
تصمیم رهبری
سندیکای شرکت
واحد گره خورده
است

اسانلو نباید بیش از
این در اسارت باشد



Hoseinzadeh_r@yahoo.com

رحمان حسین زاده

مردم آگاه و آزادخواه برنمایند. راه به جایی نمی برند. تا همین صفحه ۴

کردستان را به تخته پرش قدرت گیری کمونیسم و مردم تبدیل میکنیم

اسلامیگری غلیظ و با قصد تهدید و سرکوب فکر میکنند، میتوانند حاکمیت اسلامی را نجات دهد. اما نفس مضحکه انتخاباتشان نشان داد از پس

به دوستان و حضار در این نشست خوشامد میگویم.

سال دیگری از تلاش و مبارزه ما و مردم علیه جمهوری اسلامی، علیه ارتجاع مذهبی و علیه خرافه و سیاهی سپری شد. سالی که گذشت برای جمهوری اسلامی، برای ما و مردم و قطب چپ و برای قطب راست و ارتجاع هم ویژگیهایی داشت. جمهوری اسلامی رسماً و عملاً دوم خرداد را کنار گذاشت. در مقابلش جناح پیروز با مستضعف پناهی و دمیدن در

حتی یک اسیر از سندیکا ممکن است همه چیز را خراب کند و این غول را برای آزادی اسیرش به جنبش در میآورد و آنوقت آنها نه تنها اسیر را آزاد میکنند، بلکه همه چیز را خواهند خواست و از روی همه چیز خواهند گذشت. از قدرت سندیکای کارگران شرکت واحد همین بس که سردار قالیباف تلاش میکند تا یک خویشاوندی میان خود و راننده های شرکت واحد دست و پا کند.

رژیم جمهوری اسلامی با احتیاط در صداست تا اوضاع را به نفع خود تغییر دهد. اما روز بروز اوضاع به ضررش میشود. سندیکای کارگران شرکت واحد در دو اطلاعیه خواهان آزادی اسانلو شد و تهدید کرد که در صورت آزاد نشدن او دست به اعتصاب خواهند زد. قالیباف و همه سران و دست اندرکاران رژیم صدای ۱۲ هزار کارگر شرکت واحد را در استادیوم آزادی شنیدند که یک صدا و متحد آزادی اسانلو و عزم خود برای حفظ سندیکای خود را فریاد میزدند. هزاران کارگر از مراکز مختلف کارگری پشتیبانی خود را از کارگران شرکت واحد اعلام کردند. تشکلهای دانشجویی مختلف که حتی انجمنهای اسلامی دانشجویی را هم در بر میگیرد صفحه ۲

نبرد سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، ادامه دارد. رژیم پس از یورش اولیه در مقابل یک اعتصاب کوتاه مدت بخشی از کارگران شرکت واحد، مجبور شد تمام دستگیر شدگان به جز اسانلورا آزاد کند و سرنوشت سندیکا و اسانلورا به مذاکره میان رژیم و سندیکا واگذارد. فعلا همه در جبهه مخالف سندیکا خودشان را قایم کردند و اظهار نظری نمیکند تا ببینند سردار سپاه قالیباف، شهردار تهران تا کی میتواند برای آنها وقت بخرد. فعلا چاقو کشان شوراهای اسلامی و بسیج، برادران سپاه و نیروهای انتظامی و وزارت اطلاعات و... همه در خفا ناخنهایشان را میچونند و از اینکه نمیتوانند کاری کنند بر خود میپنجهند. حتما قالیباف خود که نیروی این غول نهفته را از نزدیک در اجتماع چهارهزار نفری کارگران در روز یکشنبه ۴ دی و در تجمع ۱۲ هزار نفری کارگران شرکت واحد در ورزشگاه آزادی مشاهده کرده بود، به بقیه یاران خود در رژیم در باره اعمال نسجیده که موجب بیرون آمدن کامل این غول و حرکت آن شود هشدار میدهد. قالیباف حتی ممکن است یاران خود را در وزارت اطلاعات و قوه قضائیه سرنوشت کند که در بند داشتن

زیر سایه وحشت از نفوذ آزادیخواهی در حاشیه انتشار بیانیه

جبهه متحد کرد

است، اشاره ای میکنم. بها ادب در همان سطر اول بیانیه خود نوشته است:

" تاریخ ۲۷۰۰ ساله ایران به عنوان وطن ایرانیان نشان داده است که حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران همواره محور پیوستگی نژادی و تاریخی ایرانیان بوده و راز بقای نجات کشور در مقابل هجوم و اشغال بیگانگان می باشد."

آن به زمینه فکری و سیاسی و اجتماعی موضع بها ادب و آنچه چینی به نقش "سلاطین و که معرف و شناسنامه امرای کرد" در دفاع از تمامیت ناسیونالیسم کرد از نظر این ارضی ایران اشاره کرده است و نماینده قهر کرده مجلس اسلامی از اینک "شاهدان ناتوان و

من به فلسفه صدور این بیانیه در اوضاع و احوال سیاسی ایران و منطقه خواهیم پرداخت. اما قبل از



Iraj.farzad@gmail.com

ایرج فرزاد

بیانیه فراخوان تشکیل جبهه متحد کرد، اخیراً توسط آقای بها ادب انتشار یافته است.

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمونئیست را تکثیر و پخش کنید!

عراق پرداخته و نتیجه می گیرد که محوری بودن قانون اسلامی شریعت در قانون اساسی عراق لزوماً مشکلی برای زنان عراق نیست. مشکل این قانون اساسی این است که نمی گوید کدام تعبیر از اسلام بر سیستم قانونی عراق جدید حاکم خواهد شد.

ترجمه و تنظیم:
اعظم کم گویان

ینار محمد: زنان اسلام و قانون اساسی عراق

در نشریه روابط
خارجی Foreign Affairs
شماره ماههای
زانویه و فوریه
۲۰۰۶



" ینار محمد اکتیویست و رهبر سکولاریست و رئیس سازمان آزادی زن عراق در مورد اینکه قانون اسلامی شریعت کشور عراق را به افغانستان تحت طالبان که در آن ستم و تبعیض علیه زنان نهادینه شده تبدیل

است تا به چندین خواست صنفی کارگران جامع عمل بیوشد، اما منصور اسانلو را در زندان نگه دارد و با برآوردن برخی مطالبات صنفی محملی برای خالی کردن زیر پای سندیکا پیدا کنند. می‌خواهند به کارگران بگویند مطالبه صنفی بدون سندیکا و تشکل هم برآورده میشود. بیخود نیست که قالیباف ۳۴ مطالبه صنفی برای کارگران شرکت واحد پیدا کرده است و میگوید می‌خواهد آنها را پیگیری کند. بدون آزادی فوری اسانلو و برسمیت شناختن سندیکا، کارگران شرکت واحد همه چیز را باخته اند.

با اعتصاب کارگران شرکت واحد جنبش کارگری ایران وارد مرحله نوینی شده است. یک حرکت وسیع صنفی در یک مجتمع بزرگ کارگری ضروری بود تا جنبش کارگری ایران دگرگون شود. پیروزی کارگران شرکت واحد به این دگرگونی ابعاد دیگری خواهد داد. در باره این مسئله در شماره آینده کمونئیست خواهیم نوشت.

که ناصر افشان از داخل زندان گفته است: "دنباله کار هم معلوم است. مثل همیشه باید بکوشند میان کارگران تفرقه اندازند. مثنی را "مجدوب" و بقیه را مرعوب کنند و آنها را رو در روی هم قرار دهند. عناصر آگاه تر جدی تر و دلسوزتر را شناسایی و آنها را بانگ ها و اتهامات واهی از جمع جدا کنند تا بتوانند بقیه را راحت تر مهار کنند". و با این روشها و قول دادن ها و وقت خریدن ها نیروی سندیکا و کارگران را تحلیل میبرند و در پایان ورق را به نفع خود برمیگردانند. نه تنها اسانلو بلکه دیگران هم دستگیر میکنند و سندیکارا منحل میکنند. هیچ چیز تضمین شده نیست. همه چیز را حرکت کارگران و سندیکا تعیین میکنند. همه چیز به تصمیم رهبری سندیکای شرکت واحد گره خورده است. بدون آزادی فوری اسانلو، اجرای هر خواست و مطالبه ای بیمعناست. رژیم با در بند نگه داشتن اسانلو، سندیکا و کارگران را تحقیر میکند. رژیم در حال حاضر آماده

اسانلو نباید دیگر اسیر باشد

سوالی که امروز باید روبروی کارگران و رهبران شرکت واحد قرار گیرد این است که با وجود این همه عقب نشینی و دست به عصا راه رفتن رژیم در مقابل سندیکا و با وجود فریاد ۱۲ هزار کارگر برای آزادی فوری او، چرا هنوز اسانلو باید در زندان باشد. واقعیتش جز این نمیتواند باشد که سندیکای کارگران شرکت واحد، نیروی عظیم خود را بکار نمیگیرد. سندیکا باید برای آزادی اسانلو مهلتی را معین و زمان اعتصاب را در صورت عدم آزادی او تعیین کند و خود را برای یک حرکت اعتصابی آماده کند. در غیر اینصورت همانطور

صغوف حمایت از سندیکا آنقدر گسترش یافته است که شخصیتها و سازمانهای نزدیک به رژیم مانند ابراهیم یزدی و محسن آرمین و... از سندیکای شرکت واحد حمایت کردند حرکت سندیکای شرکت واحد به آنجا رسیده است که نه تنها کارگران و مردم و هر مخالف رژیم اسلامی، بلکه هر منتقد نیم بند و هر گله مند از رژیم برای سندیکا حمایت میکند و آن را به رژیم نشن میدهد. سندیکای شرکت واحد، نه الزاما از نظر خودش و رهبران سندیکا، بلکه بطور واقعی در جامعه به محور جبهه مقابل رژیم تبدیل گشته است. اعتصاب و حرکت کارگران شرکت واحد می‌رود که معادله قدرت میان مردم و رژیم را یکبار دیگر به نفع طبقه کارگر و مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی تغییر دهد و آن را بازتعریف کند.

این همه هنوز آغاز یک حرکت است. هنوز سندیکای کارگران شرکت واحد یکصدم ظرفیت خود و طبقه اش را به کار نبرده

همه چیز.....

در بیانیه های مختلف حمایت خود را از کارگران شرکت واحد اعلام و خواهان آزادی اسانلو شدند. اتحادیه های جهانی کارگری به دولت ایران به دلیل یورش به سندیکا و دستگیری اسانلو اعتراض کردند. و ناصر زرافشان و کیل شجاع خانواده های قتل های زنجیره ای از اوین در اطلاعیه ای ضمن حمایت از کارگران شرکت واحد نوشت: " سرانجام دولت مستضعفان نقاب از چهره برداشت و بطور علنی و رسمی به کارگران شرکت واحد چنگ و دندان نشان داد. این امر قابل پیش بینی بود زیرا کارگران سرانجام بر تردیدها و توهومات قبلی خود غلبه کرده و به این نتیجه رسیده اند که جز خود آنان کسی غم و غبطه نندارد و حقوق و منافع آنان را ندارد و اینو گرد هم جمع شده اند، سندیکا تشکیل داده اند تا امر معیشت خود و زن و فرزندشان را بوسیله نمایندگان خودشان پیگیری کنند و این گناهی کبیره است."

چنین سیاست و نقشه ای جا دارد و باید در مورد فیض آباد سندج فعالانه و با تمام قوا در پیش گرفته شود. سازماندهی کمونئیستی مبارزه برای کسب خواسته های حق طلبانه مردم محروم در هر گوشه از ایران در مقابل تعرض جمهوری اسلامی به مسکن و نان و کرامت مردم در دستور کار شبکه ها و فعالین کمونئیست حکمتیست در محلات و کارخانه ها و محیط های دانشجویی قرار دارد و یک ضرورت عاجل است. باید قانون جنگل این جانین را با قدرت مردم متحد و جسور برسر خودشان خراب کنیم.

درد شخصیت های شناخته شده و رهبران کارگری و افراد با نفوذ اجتماعی و فعالین دانشجویی سرشناس چپ در کارخانه ها و محلات و دانشگاهها ایجاد کمیته های کمک رسانی به قربانیان این فجایع ناگوار و سازماندهی پیشبرد مبارزه مردم برای گرفتن مسکن و خسارت از دولت را در دستور کار خود قرار بدهند. و با توجه به موقعیت و توازن قوای مناسب حتی مصادره مجتمع های مسکونی به نفع مردم را سازمان بدهند. اتحاد و سازماندهی و دادن قوت قلب و کمک روحی و عاطفی به مردم و تنها نگذاشتن آنها در چنین شرایطی کار شبکه ها و فعالین

سندج که همواره در صف اول مبارزه با جمهوری اسلامی قرار داشته اند به ما تحمیل کنند.

حمله اوباش یک رژیم سراپا دزد و فاسد به خانه های مردم و تخریب سرپناه آنها می تواند در هر گوشه ای اتفاق بیفتد. نباید بگذاریم این رژیم رسوا و مورد تنفر مردم از ما بیش از این قربانی بگیرد. در چنین شرایطی باید حول کمک به مردم و سازماندهی آنها در وجوه مختلف متحد و متشکل شد. سازماندهی مقابله با تعرض اوباش اسلامی در چنین وضعیتی بیش و پیش از هر چیز و هر کس بر دوش شبکه ها و فعالین حکمتیست و چپ قرار دارد. در چنین وضعیتی جا

سازماندهی..

این وضعیت و وضعیت های مشابه آن می تواند بر سر مردم محلات و محدوده های زحمتکش نشین در نقاط دیگر ایران بیاید. راه چاره در همه جا متحد شدن و به کمک مردم شتافتن و وادار کردن جمهوری اسلامی به جبران خسارات و سرپناه دادن به مردم است. باید به کمک مردم فیض آباد شتافت. به آنها قوت قلب و مساعدت روحی و عاطفی و روانی داد و به دادشان رسید. مردم بیش از هر چیزی به اتحاد و همبستگی نیاز دارند. نباید گذاشت قانون جنگل را در هیچ نقطه ای از ایران و به طریق اولی در کردستان و

زنده باد هویت انسانی

نه اسلامی

نه قومی

عراق

چهارشنبه چهار ژانویه پرده را کنار زد و در مقاله‌ای تحلیلی از گسترش اعتراضات در سراسر عراق علیه فلاکت موجود و مشخصاً علیه افزایش قیمت سوخت ابراز نگرانی جدی کرد.

درست بعد از "انتخابات" ۱۵ دسامبر، یعنی پس از آنکه کار رای کشی از مردم و ریختن اوراق جعلی و جبری به صندوقها تمام شد، "دولت" جعفری-طالبانی اعلام کرد که قیمت بنزین را ۳۰٪ بالا برده است! بلافاصله مردم در بغداد و شهرهای دیگر علیه این تعرض وقیح به معیشت شان دست به تظاهرات و اعتراض زدند، پوسته‌های چپ‌اولگران حاکم را جلو دوربین های تلویزیونها پاره کردند و جاهایی هم پمپ بنزین ها را به آتش کشیدند. میکوشند این اعتراضات را به "تروریست" ها و یا ناراضیان از نتیجه "انتخابات" نسبت دهند. اما واقعیت درست برعکس است. ناراضیاتی و اعتراض در پائین روز به روز گسترش میابد، در نتیجه نه فقط ناراضیان از نتیجه انتخابات میکوشند آن را به خدمت اهداف خود در آورند بلکه

به اعتراف نشریه اکونومیست بخشی از مردم ناراضی و فلاکت زده، بخصوص جوانان بیکار و بی معیشت، ترجیح میدهند اسلحه بردارند و آن را علیه نیروهای آمریکایی و هر نیروئی که فکر کنند مسبب فلاکت و سیاه روزیشان است بکار برند.

این بار هم، "انتخابات" در عراق کاملاً روی خط تقسیم اهالی بر اساس انتساب به مذهب و قومیت پیش رفت. این وضعیت، بر زمینه میراث استبداد شوونیستی مذهبی رژیم حاصل جنگ و اشغال عراق توسط آمریکا و از هم پاشیدن فابریک مدنی جامعه، حاصل تحمیل سناریوسیه بر حیات اجتماعی و سیاسی مردم است، که صحنه را برای تاخت و تاز جمهوری اسلامی، نیروهای اسلامی رنگارنگی و نیروهای ناسیونالیست و قومی اعم از متحد و نیمه متحد آمریکا و یا مخالف آن باز کرده است. انتخابات در عراق این بار هم نه بر اساس پلاتفرمهای سیاسی احزاب، بلکه بر اساس لیستهای ائتلافی مبتنی بر مذهب و قومیت صورت گرفت. نتیجه همانطور که پیش بینی میشد عمدتاً به جیب نیروهای رفت که

هم میلیشیایی گسترده و هم منطقه تحت حاکمیت گسترده در اختیار دارند و از این راه معیشت مردم را گرو گرفته اند و با تحمیل هویت مذهبی و قومی بر آنان رایشان را بسود خود در صندوق میریزند. نیروهای دیگر درگیر بازی، دقیقاً به نسبتی که از این اهرمها محروم بوده اند بازی را باخته اند. شواهد اولیه نشان میدهد که برنده اصلی، جمهوری اسلامی ایران و نیروهای اسلامی طرفدارش، و بازنده اصلی، ائتلاف ایاد علاوی مورد حمایت آمریکاست.

ائتلاف احزاب حاکم در کردستان و ائتلاف گروهبندی ناسیونالیسم عربی (معروف به سنی) در این میان در ردیف دوم و سوم ایستاده اند. این ترکیب و آرایش سیاسی و اجبار همه گروهبندیها به "توافق" یا هم در روند تشکیل یک حکومت به اصطلاح "وحدت ملی"، بلبشوی سیاسی و بی ثباتی را به جزء ثابت حاکمیت این گروهبندیها تبدیل کرده است. دو گروه ناراضی از سهم انتخاباتی خود، با طرح مساله تقرب گسترده، کل انتخابات را زیر سوال برده و خواهان لغو آن شده اند. زیر فشار آنها کوفی انان هیاتی را

جوابگویی به نیازهای مردم خواهند بود.

از طرف دیگر مردم جان به لب رسیده برای دفاع از معیشت خود و نفس بقاء روزمره خود ناگزیرند اعتراضات خود را گسترش دهند و در این مسیر روز به روز بیشتر بر ضرورت اتحاد صفوف خود واقف میگرددند. ویژگی کنونی اوضاع سیاسی در عراق ادامه بلبشوی سیاسی در بالا و گسترش اعتراضات توده‌ای در پائین است. حزب کمونیست کارگری عراق و فعالین آزادیخواه هم اکنون در صف مقدم این اعتراضات برای متحد کردن مردم و هدایت کردن مبارزات آنها تلاش میکنند. پیشروی و پیروزی این مبارزات به تامین یک رهبری انقلابی و کمونیستی پیگیر و روشن بین در پیشاپیش آن، گره خورده است.



اول تلاش برای ایجاد جبهه متحد ارتجاع کرد و غیر کرد برای مقابله با "مخاطرات"ی است که نیروی قدرتمند کمونیسم اجتماعی در بطن و سیر سقوط جمهوری اسلامی میتواند تولید کند. این نیروی انقلابی، فقط یک نور درخشان در نقطه ای از تاریخ گذشته مبارزه مردم کردستان نیست که بتوان حافظه مردم را نسبت به آن کور کرد. این نیرو با حزب خود و با سابقه بیش از ۲۷ سال تلاش در دفاع از آزادی و برابری انسانها و در تقابل با و برای به شکست کشاندن ارتجاع مذهبی و ناسیونالیستی، در هیات رهبران شناخته شده توده های مردم و در درخشش و سرزندگی گارد آزادی و عزم برای متحد ساختن نیروی مردم برای بنای جامعه ای آزاد و برابر و به دور از جهالت و تعصبات قومی و ناسیونالیستی و کوره های پاکسازی و نفرت قومی و قبیله ای، در متن جامعه حضور دارد. تلاش بها ادب و جبهه او در احضار روح اعلیحضرتها و تیمسارها و سرداران و تمامیت ارضی خواهان و قسم خوردگان به قانون نکبت اسلامی برای دور زدن این قدرت اجتماعی، بی ثمر است.

جریانات ناسیونالیست کرد هم بفهماند که جمهوری اسلامی از ظرفیت معامله و ساخت و پاخت هنوز تهی نشده است. در هر حال بیانیه بها ادب نشان میدهد که طرح فدرالیسم قومی به دنیا نیامده، مرحوم شده است. با وجود این بها ادب علاقمند است که وزن و قدرت نفوذ ناسیونالیسم و افکار ناسیونالیستی را در میان مردم کردستان ایران خیلی دست بالا فرض کند. برای مردمی که ۲۷ سال است حضور و دخالت موثر یک گرایش سوسیالیستی و لایه ای از رهبران مورد اتکا و مورد اعتماد کمونیست را در صحنه های تحولات و نبردها و تلاطم های اجتماعی تجربه کرده اند، برای مردمی که تقابل حزب و جریانات ناسیونالیستی را با مبانی اولیه حقوق مدنی مردم تجربه کرده و دست به اسلحه بردن و اعلام جنگ سراسری را با نیروی رادیکال و مورد حمایت خود شاهد بوده و نظاره گر شکست توطئه ها و بند بستهای حزب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی علیه کمونیسم و کمونیستها بوده اند، نمیتوان از طریق دراماتیزه کردن تاریخ

جریانات ناسیونالیست کرد هم بفهماند که جمهوری اسلامی از ظرفیت معامله و ساخت و پاخت هنوز تهی نشده است. در هر حال بیانیه بها ادب نشان میدهد که طرح فدرالیسم قومی به دنیا نیامده، مرحوم شده است. با وجود این بها ادب علاقمند است که وزن و قدرت نفوذ ناسیونالیسم و افکار ناسیونالیستی را در میان مردم کردستان ایران خیلی دست بالا فرض کند. برای مردمی که ۲۷ سال است حضور و دخالت موثر یک گرایش سوسیالیستی و لایه ای از رهبران مورد اتکا و مورد اعتماد کمونیست را در صحنه های تحولات و نبردها و تلاطم های اجتماعی تجربه کرده اند، برای مردمی که تقابل حزب و جریانات ناسیونالیستی را با مبانی اولیه حقوق مدنی مردم تجربه کرده و دست به اسلحه بردن و اعلام جنگ سراسری را با نیروی رادیکال و مورد حمایت خود شاهد بوده و نظاره گر شکست توطئه ها و بند بستهای حزب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی علیه کمونیسم و کمونیستها بوده اند، نمیتوان از طریق دراماتیزه کردن تاریخ

پاس از دریچه امید به دخالت آمریکا و پوچ درآمدن تلاش برای ایجاد جبهه برای فدرالیسم است. او به عنوان یک "پارلمانتار" کرد بن بست آمریکا در عراق و سرگردانی و صف آرائی برای دور دیگری از دورنمای تشمت و تشنج در مقدرات احزاب ناسیونالیست کرد در عراق را تشخیص داده است. اما در همان حال اصرار کنونی بها ادب که کارهایش را در "چهارچوب قانون اساسی" جمهوری اسلامی و به دور از "خشونت" پیگیری خواهد کرد، اطمینان دادن به جمهوری اسلامی است که او در اوضاع متلاطم دوران های تزلزل پایه های حکومت جمهوری اسلامی، در کنار و همراه با باندها و دستجات اسلامی علیه مردم و نیروی چپ و سوسیالیست خواهد ایستاد. اما بعلاوه بیانیه بها ادب اتخاذ موضعی در کشمکشها و پارگیهای بین دولت ترکیه و آمریکا و نیروهای احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق و باندها و دستجات "سنی و شیعه" عراق هم هست. در شرایط قسم و قرآن خوردنهای بها ادب به قانون اساسی جمهوری اسلامی و در همان حال تاکید او بر ادامه راه امری کرد، او میخواهد به احزاب و

زیر سایه ...

حکام بی لیاقت موجب تجزیه ایران شده و بخش هایی از منطقه کردنشین را زیر سلطه بیگانگان قرار دادند، زانوی غم بغل گرفته است.

و این تاریخ نگاری جعلی البته یک هدف کاملاً معین را در رابطه با اوضاع سیاسی ایران و منطقه برملا میکند. همه میدانند که بحث فدرالیسم قومی، یکی از نقطه امیدهای احزاب و جریانات ناسیونالیست و قوم پرست و از آن جمله حزب دمکرات کردستان ایران بوده است. همه میدانند که رهبری حزب دمکرات به امید "برکت"ی که سیاست نظامگیری آمریکا در عراق برای جریانات ناسیونالیست کرد در عراق به بار آورده است، در کنگره ۱۳ خود رسماً شعار استراتژیک قبلی خود، خودمختاری برای کردستان ودمکراسی برای ایران را به نفع فدرالیسم کنار گذاشت و همه در جریان پیام مصطفی هجری دبیرکل این حزب به جرح بوش قرار گرفتند.

تاکید غلیظ بها ادب بر تمامیت ارضی پرستی کردها و "امرا و سرداران و سلاطین کرد"، نشانه

زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی

کردستان را

جا هم روشن است همه مشکلات رژیم نه تنها به جای خود باقی بلکه ابعاد بیشتری هم پیدا کرده است. کماکان مردم متغیر و معترض بزرگترین تهدید و بلای جان جمهوری اسلامی هستند.

به لحاظ مبارزات مردم هم سال گذشته، سال گسترش اعتراض آزادیخواهانه و بی تخفیف علیه جمهوری اسلامی بود. در موارد متعدد و افتخار آمیزی رادیکالیسم و چپ جامعه ابراز وجود کرد. ۱۶ آذر یکسال قبل دانشجویان و چند روز قبل اسنل آنها نمونه برجسته این حرکت بود. جا دارد دست دانشجویان آگاه و روشن بین و نسل جوان پرتوقع و رادیکال را بفشاریم و در قدردانی از تلاشهایشان دست بزنیم. (کف زدن و احساسات پرشور حضار)

در تداوم این تلاش رادیکال همایشهای کودکان و زنان با ابعاد اجتماعی قابل توجه، نمونه روشن ارزش گذاری انسان و حق طلبی انسانی علیه حاکمیت و نظام سیاسی و موازین غیر انسانی حاکم بر جامعه بود. به علاوه سال گذشته ۸ مارس و ماه مه و اعتصابات کارگری وسیع داشتیم. نزدیک به یک ماه اعتراضات گسترده شهرهای کردستان و در تنگنا قرار دادن جمهوری اسلامی را داشتیم. اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد مردم کردستان با مهر و سیاست چپ را داشتیم. کمپینهای گسترده برای آزادی فعالین کارگری و انسانهای دربند جمهوری اسلامی را داشتیم. و نکته قابل توجه اینجا است که جامعه کردستان که نشست شورای کادرهای کردستان در فعل و انفعالات آن دخیل و بر روندهای مبارزاتی آن متمرکز است. سهم بزرگی از جنب و جوش آزادیخواهانه و چپ سال گذشته را بر عهده داشته و جنبش ما را جلو کشیده

ما حکمتیستها با سربلندی میگوییم بخش لاینفک این مبارزه رادیکال در شهرهای ایران و در کردستان بودیم. و ویژگی برای حزب ما آنجا است که سال گذشته ما از دل یک دوگانگی و تناقض چنین نقشی را ایفا کردیم. دوگانگی آنجا بود که سرآغاز سال گذشته جنبش و حزب ما، حزب بنیاد گذاشته شده توسط منصور حکمت لطمه جدی خورده بود و تحولات سریع جامعه هم دخالتگری روز افزون حزب کمونیستی و منصور حکمتی را میطلبد. ما میبایست در دل جنگ و جدال روزمره نقش بازی میکردیم و امید به کمونیسم منصور حکمت و جنبشمان را احیا میکردیم. میدانستیم علاوه بر گفتن و نوشتن و ترسیم تفاوتها یمان و غیره این امید را با پراتیک اجتماعی و در جامعه باید زنده کنیم. چون حزب و خط ما همیشه گفته نقطه رجوع ما جامعه است.

به شهادی پرتیک اجتماعی سال گذشته و حضور موثر در تحركات رادیکالی که اشاره کردم، به شهادی حضور پر قدرت رهبران کمونیست و گارد آزادی در میان مردم و به شهادی تاسیس گارد آزادی به عنوان نیروی مسلح جنبش آزادی و برابری و نیروی مقابله با سناریوی سیاه و قوم پرستی و ارتجاع بر این دوگانگی فایق آمدیم. دوباره حضور حزب کمونیستی و حکمتیستی را در جامعه و جدالهای آن تضمین کردیم.

همزمان با اعتصاب عمومی مردم کردستان، گارد آزادی و رهبران کمونیست عبدالله دارابی، مجید حسینی، کمال مربرزان، سردار نگلی، یدی کریمی، خالد علی پناه و تعداد دیگری راه افتادند، موانع را پشت سرگذاشتند تا اتصال مبارزاتی این سه دهه را محکمتر کنند. حضورمان را در هدایت و پیشروی مبارزات کنونی تامین کنند. مردم در کنار خود و در

مبارزاتشان گارد آزادی ورهبران کمونیست را دوباره تجربه کردند. تازه همه آنچه را که در یکسال گذشته ما و مردم انجام دادیم یک گام از صدها گامی است که برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و سپس تضمین مدنی، رفاه و سعادت در آن جامعه برداشتیم. اکنون ما مردم در جای محکمتری ایستاده ایم. در موقعیت قدرتمندتری سرنگونی جمهوری اسلامی را در دستور کار داریم. در موقعیت قویتری سختیهای سد راه جامعه و مبارزه مردم را میشناسیم و میخواهیم آن را پس بزنیم.

واقعیت اینست جامعه چه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و چه برای آینده بعد از جمهوری اسلامی در مقابل دو انتخاب اصلی قرار گرفته است. انتخاب اترناتیوراست یا چپ؟ راست جامعه ایران و کردستان، ملی گراها و قوم گراها به امید دخالت نظامی آمریکا و حمایت پنتاگون با سرمایه گذاری بر شکافهای ملی و قومی و به قیمت تباهی جامعه، به قیمت پاکسازیهای قومی درست مثل نسخه عراق و افغانستان و بیوگوسلاوی میخواهند سهمی از قدرت را به دست آورند. جنبش آزادیخواهانه ما و مردم در همین ابتدا لازمست با تمام هوشیاری و توان این سناریو را خنثی کند. درست نقطه مقابل این سناریو ما و مردم با درهم کوبیدن کامل جمهوری اسلامی میخواهیم یک بار برای همیشه، رفاه، سعادت و آزادی و برابری در جامعه ایران حاکم شود. واقعیت اینست عده ای تصمیم گرفته اند با ایجاد تفرقه، و ایجاد کینه و دشمنی قومی و ملی، صفوف مردم را پارچه پارچه و مردم را به جان هم بیندازند. بر عکس ما میخواهیم کارگران و مردم و هر انسان تشنه آزادی و رهایی دست در دست هم بگذارند، با اتحاد و ابتکار خود جمهوری اسلامی

عامل مستقیم همه تبعیضات و ستم را بیندازیم و آینده عاری از هر نوع دسته بندی کاذب قومی و مذهبی و هر نوع تبعیض را بسازیم. اینها آلترناتیوهای مختلف هستند و باید انتخاب کنیم.

در کردستان عده ای قومپرست در باد آمریکا خوابیده و با آرزوی تکرار تجربه کردستان عراق و اینکه همانند پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) و یه کیه تی (اتحادیه میهنی کردستان عراق) به نان و نمایی و به فدرالیسمشان برسند. میخواهند پیاده روان نظامی آمریکا در تحمیل سناریوی سیاه بر ایران باشند. دقیقاً برای مقابله با تحرک انسانی و رادیکال و همین همایشهای زنان و کودکان و ۸ مارس و ماه مه و جنبش رادیکال و کمونیسم و چپ قدرتمند آن جامعه میخواهند نقش گانگستری ایفا کنند. اما کور خوانده اند. کردستان ایران سنگر محکم کمونیسم و چپ است. سنگر آزادی و برابری است. در چشم مردم ایران سنگر انقلاب است و این سنگر را محکمتر از گذشته انقلابی میکنیم و آن را به تخته پرش قدرت گیری کمونیسم تبدیل میکنیم.

این ادعا نیست. این حرف ما سازندگان ۲۶ سال رادیکالیسم و کمونیسم آن جامعه، ۲۶ سال دفاع از مبارزه کارگر و زحمتکش، دفاع از حقوق زن و جوان و کودک، ۲۶ سال تقابل بیوقفه با جمهوری اسلامی و مقابله با ناسیونالیسم و ارتجاع و حزب دمکرات، حرف سازندگان مقاومت توده ای و نظامی و تحصن بزرگ سنندج، کوچ تاریخی مریوان، خلع سلاح رزگاری، بلوکه کردن یکه تازی و قلدری حزب دمکرات، حرف مدافعان پیگیر آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، سازندگان کمپینهای بزرگ کارگری و دفاع از کارگر، شرکت کنندگان مستقیم اعتصاب عمومی

سراسری مردم کردستان، میتکران رهبران کمونیست و سازندگان گارد آزادی و کلیه پیام آوران آزادی و برابری است. این کمونیسم قوی و این تجربه اجتماعی آزادیخواهی را به تخته پرش قدرت گیری انسانیست و برابری طلبی در سراسر ایران تبدیل میکنیم. به نیروی خنثی کردن قومیکری، فدرالیسم و جنگ و پاکسازی قومی تبدیل میکنیم. به ابزار دفاع از مدنیست، آزادی و سعادت مردم و به ابزار حفاظت از کودکانها، مدارس و محیط کار و زیست در مقابل بلای جنگ و ویرانی تبدیل میکنیم. به ابزار دفاع از کودکان و نوجوانان و جوانان و زنان و مردانی تبدیل میکنیم که بی خبر از هر چیز میخواهند آنها را به هیزم جنگ و کشتار آتی تبدیل کنند.

امیدوارم شورای کادرهای تشکیلات کردستان و این تجمع با اعضا و مهمانانش در این جهت گیری و اراده سهیم شویم. مسئولیت ما و همسنوشتی ما در قبال این وضع مرز مهمان و عضو شورا را منتفی میکند. نه مهمانان اتفاقی به این سالن آمده اند و نه ما اتفاقی آنها را دعوت کردیم. بلکه همگی سرمایه کمونیسم و آزادیخواهی این جامعه به این دلیل گرد آمده ایم چون امری مشترک و راه مشترکی داریم. امیدوارم در پیام پایانی به روشنی و با اراده اعلام کنیم. کردستان را به دروازه قدرت گیری انقلاب، چپ و کمونیسم و آزادی و برابری تبدیل میکنیم. همچنانکه بلشویکها پروگرا را به این سنگر تبدیل کردند.

سال آینده، سال گسترش قدرت چپ و گارد آزادی است. همه انسانها آزادیخواه را به تقویت این حرکت دعوت میکنم.

سخنرانی در نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب - حکمتیست

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست: ۲۵ و ۲۶ فوریه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار میشود.

با شرکت در این کنفرانس از نزدیک با فعالیتهای و سیاستهای حزب حکمتیست در خارج کشور آشنا شوید. در این کنفرانس در بطن تحولات سیاسی نقش حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن مورد بحث قرار میگیرد.

جهت ثبت نام با hekmatist.aboard@gmail.com

و شماره تلفن تماس بگیریید (44) 37 22 590 781

شرکت برای عموم آزاد است

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!